

## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۵ اسفند ۱۴۰۱

مصادف با: ۱۳ شعبان ۱۴۴۴

جلسه: ۳۲

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۴۹- بخش دوم: «یذبحون ابنائکم و یستحیون نسائکم» -

مطلب پنجم- مطلب ششم

# الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد در آیه ۴۹ سه بخش وجود دارد؛ بخش اول مورد بحث واقع شد. در بخش دوم تا به حال پیرامون چهار مطلب سخن گفتیم که این مطالب هم درباره اصل غذایی که به بنی اسرائیل وارد می‌شد، بود و هم درباره عالی‌ترین مصادیق و برترین عذاب‌هایی که در آن زمان انجام می‌شد. «یسومونکم سوء العذاب یذبحون ابناءکم و یستحیون نسائکم». در مورد «یذبحون ابناءکم» عرض کردیم احتمالاتی وجود دارد؛ چند احتمال نقل شد.

### مطلب پنجم

مطلب پنجم این است که ذبح ابناء که به عنوان عذاب در اینجا نقل شده، آیا مربوط به قبل از تولد حضرت موسی (ع) بوده یا بعد از تولد حضرت موسی (ع) هم ادامه داشته؟ چون در مطلب چهارم عرض کردیم فرعون به جهت ترس و وحشتی که داشت، که حالا یا ناشی از خواب بود یا از پیشگویی ساحران یا وعده‌ای که در میان پیشینیان رواج پیدا کرده بود مبنی بر اینکه از فرزندان ابراهیم کسی خواهد آمد و به تاج و تخت و سلطنت آنها تعرض خواهد کرد، به شدت بیمناک بودند و لذا دستور به قتل فرزندان پسر داده بودند. به آب افکندن حضرت موسی در درون گهواره هم برای نجات از همین امر بود. پس در اینکه ذبح الابناء قبل از تولد حضرت موسی صورت می‌گرفت، بحثی نیست. اما بعد از ولادت حضرت موسی هم این روند ادامه داشت که در برخی از آیات قرآن هم به آن اشاره شده است؛ در آیه ۲۵ سوره مزمل خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ»، وقتی که موسی سخن حق را از نزد ما برای آنان برد، گفتند بکشید پسران کسانی را که به موسی ایمان آورده‌اند؛ این مربوط به بعد از زمان حضرت موسی و ادعای نبوت توسط حضرت موسی است. در مورد زنان هم این مسئله وجود داشت، «و استحیوا نساءهم»، مسأله استحیاء زنان را هم مطرح کرده است. این حاکی از آن است که ذبح الابناء به عنوان یک عذاب و استحیاء النساء به عنوان عذاب دیگر، بعد از تولد حضرت موسی هم ادامه پیدا کرد و فقط مربوط به قبل نبود. ترس آل فرعون و فرعون از اینکه جبهه توحید و خداپرستی با تولد فرزندان آنها و بزرگ شدن آنها و ایمان به حضرت موسی تقویت شود، همواره وجود داشت. از اینکه اینها صاحب قدرت شوند فرعون می‌ترسید.

اگر این مسأله را در نظر بگیریم، می‌توانیم از آن در راستای نکته‌ای که در مطلب چهارم مورد بحث بود استفاده کنیم. در

مطلب چهارم سخن در این بود که چرا فرعون امر به قتل ابناء کرد؛ چند وجه در آنجا ذکر کردیم. اینکه فرعون خواب دید یا منجمان پیشگویی کردند یا مسموعات آنها مبنی بر اینکه در آینده چنین خواهد شد، باعث شد این دستور داده شود. اما مسأله این است که کدام یک از اینها می‌تواند عامل و علت این دستور باشد؟ از نکته‌ای که در مطلب پنجم گفتیم، می‌توانیم یک نتیجه‌ای بگیریم؛ ما اینجا گفتیم این امر استمرار داشت، امر به ذبح الابناء و استحياء النساء که بعد از حضرت موسی هم ادامه پیدا کرد. اگر این امر بعد از تولد حضرت موسی و بعد از نبوت او ادامه داشته و کماکان آل فرعون این کار را انجام می‌دادند، پس معلوم می‌شود آنچه باعث این عذاب‌ها بر بنی‌اسرائیل شده، یک خوف و ترس عظیمی بود که در میان فرعون و آل و اتباع او وجود داشت از اینکه طومار آنها در هم پیچیده شود. این ترس ممکن است با جرقه‌ای آشکار شده و قوت گرفته است؛ منافاتی ندارد که آن جهاتی که گفته شد، همه با هم وجود داشته است. یعنی مثلاً هم فرعون آن را خواب دیده و هم منجمان این پیش‌گویی‌ها را داشتند و هم آن وعده‌ای که از گذشته پیرامون ظهور پیامبری از میان این قوم داده شده بود، وجود داشته است. همه اینها تجمیع شده و یک عاملی بنام ترس از قدرت و عظمت و شوکت اهل خداپرستی و توحید را در دل او ایجاد کرده بود؛ و به همین جهت بعد از نبوت حضرت موسی هم این مسأله ادامه پیدا کرد. برای اینکه پیروان حضرت موسی در آینده زیاد نشوند و کسی نباشد که به او ببیند، زنانشان هم به استحياء گرفته شدند.

پس «بذبحون ابناءکم» به عنوان یک عذاب مستمر بر بنی‌اسرائیل تحمیل شد، یک خطی که دائماً توسط فرعون اعمال می‌شد.

#### مطلب ششم

مطلب ششم درباره استحياء النساء است، «و استحيوا نساءکم». این هم قبل از ولادت و نبوت موسی و هم بعد از آن ادامه پیدا کرد. این تنها برای این نبود که حضرت موسی ظهور نکند و پیامبر نشود. چون در همین آیه ۲۵ سوره غافر، به دنبال امر به قتل ابناء، امر به استحياء نساء هم وارد شده است، «فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ»، فرزندان کسانی را که با حضرت موسی هستند بکشید و نساء و زنان آنها را استحياء کنید. پس این هم یک عذاب مستمری بود که توسط فرعون و آل او دنبال می‌شد.

حال باید دید استحياء به چه معناست؟ قبلاً به مناسبت توضیح واژه استحياء در تبیین مفردات آیه این نکته را اجمالاً اشاره کردیم و گفتیم دو احتمال در آن وجود دارد:

۱. ممکن و محتمل است به معنای زنده نگه داشتن زنان باشد، یعنی اینکه آنها را نکشید. استحياء در مقابل «اقتلوا» ظهور در این دارد که آنها را زنده نگه دارید. چطور می‌شود زنده نگه داشتن به نوعی تعذیب و محسوب می‌شود؟ زنده ماندن زنان از این جهت عذاب محسوب می‌شد که با زنده ماندن، به رقیقت گرفته می‌شدند، به عنوان کنیز به خدمت آل فرعون در می‌آمدند. با زنده ماندن، رنج مستمر و دائم آنها را احاطه می‌کرد؛ زنده ماندن بعد از کشته شدن فرزندان، یک رنج

طولانی و عمیق و جانکاه بر زنان تحمیل می‌کند؛ با این فرض که اگر همسر و شوهر نداشتند، که این خودش یک غم مضاعفی برای پدران اینها هم محسوب می‌شد، چون عائله فراوان هزینه سنگینی را برای تأمین معاش آنها تحمیل می‌کرد و خانواده را گرفتار مشکلاتی می‌نمود. بنابراین زنده نگه داشتن به اعتبار این لوازم، قطعاً یک عذاب شدید محسوب می‌شد.

۲. احتمال دوم این است که استحياء به معنای ازاله شرم و حیا باشد. در برخی از تفاسیر، استحياء را به معنای از بین بردن شرم و حیا دانسته‌اند و گفته‌اند اینکه امر به زنده ماندن زنان شده، در واقع مساوی با اکراه آنها بر بغی و فسق و فجور است؛ وقتی که فرزندان آنها کشته شوند و مردانشان به بیگاری گرفته شوند، زنان باقیمانده به غیر از کنیزی که آن هم به نوعی آمیخته با مسأله بغی و فسق و فجور آنها بود. راه دیگری نداشتند. لذا استحياء به معنای ازاله شرم و حیا هم تعذیب محسوب می‌شود.

هر کدام از این دو معنا باشد، مسلماً تعذیب است؛ اگرچه ظهور استحياء در معنای اول قوی‌تر است. یعنی استحياء به قرینه مقابله اقتلوا، در واقع دلالت بر همین معنای ظاهری زنده نگه داشتن می‌کند؛ منتهی این زنده نگه داشتن به اعتبار لوازم و آثاری که گفته شد، قطعاً تعذیب بوده و شاید بزرگترین عذابی که نسبت به زنان و حتی مردان می‌توان تصویر کرد، همین تعذیب است. تعذیب استحياء نساء و زنده نگه داشتن آنها، علاوه بر اینکه نسبت به خود آنها عذاب بود، نسبت به مردان هم عذاب بود. مردانی که زنده بودند، به طور طبیعی این حس نسبت به خواهرانشان و بستگانشان، برای آنها هم عذاب بود؛ مردانی هم که کشته می‌شدند، فکر و تصور اینکه چنین اتفاقی برای خانواده آنها ممکن است پیش آید، عذاب مضاعفی را بر آنها تحمیل می‌کرد. پس استحياء النساء به معنای حقیقی کلمه سوء العذاب بوده است.

بنابراین «یذبون ابناءکم و یستحيون نساءکم» بدون تردید از عالی‌ترین مصادیق سوء العذاب است؛ چه این دو را عطف بیان برای «یسومونکم سوء العذاب» بدانیم و چه سوء العذاب را به معنای اعم بدانیم که این دو بارزترین و آشکارترین مصادیق سوء العذاب هستند. علی‌ایحال بدون تردید بزرگترین عذاب بنی‌اسرائیل که خداوند اینجا از آن یاد می‌کند و می‌فرماید ما شما را از این عذاب نجات دادیم، قتل الابناء و استحياء النساء بود؛ ولی عرض کردیم اینها ذیل یک عنوان کلی‌تر قرار می‌گیرند که عبارت است از همان استعباد، استدلال، به بردگی کشاندن، استخفاف و اسارت و بردگی که خداوند می‌گوید ما این را از شما برداشتیم و شما را از این مصیبت نجات دادیم.

«والحمد لله رب العالمین»